

زنان زحمت‌کش راه را نشان می‌دهند

محمد رضا شالگونوی

راه پیمایی اعتراضی مردم شاتره که (روز سه شنبه هفتم تیرماه ۷۹) جاده تهران - ساوه را ساعت‌ها بستند، به جهات متعدد حادثه مهمی بود؛ حوادثی از آن دست که تحمل ناپذیر شدن شرایط زندگی اکثریت عظیم مردم را به نمایش می‌گذارند و هر یک می‌توانند به سرمشقی برای توده محرومان تبدیل شوند و زنجیره‌ای از اقدامات مستقیم مردمی را به دنبال بیاورند. کسانی که به این نوع اقدامات اعتراضی دست می‌زنند، بی‌شک، طلایه‌داران اردوی عظیم لگدمال شده‌گان و فراموش شده‌گان اند که - به قول شاعر بزرگ ما - برمی‌خیزند < تا حقیقت بیمار را نجات بخشند و به یاد آوردن انسانیت را به فراموش‌کنندگان فرمان دهند >. آن‌ها کسانی هستند که حتی در ده کیلومتری تهران از لوله‌کشی گاز محروم‌اند؛ آن‌ها هم در کشوری که دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان را در سینه دارد و حکومت‌اش برای تقویت < اسلام ناب محمدی > در جنوب لبنان و جلب دوستی اسد سوری، میلیارد‌ها دلار خرج می‌کند و برای تحمیل قوانین عمر شترچرانی بر زندگی امروزی، میلیون‌ها مفت‌خور (از فقیه و خطیب گرفته تا داروغه و تفنگچی و چماق‌دار) اجیر می‌کند. آن‌ها کسانی هستند که بی‌حقی‌شان از نظر سیرخورده‌ها و سیرخورفته‌ها چنان بدبختی است که حتی مشکل آب آشامیدنی‌شان - به قول فرماندار نابغه اسلام‌شهر - < بی‌مورد است. زیرا این مشکل در کل کشور نیز وجود دارد >.

اما شاید مهم‌ترین چیزی که در باره این حرکت باید مورد توجه باشد، نقش رهبری زنان در سازمان دهی آن است. البته شرکت زنان در حرکت‌های اجتماعی اعتراضی محلات زحمت‌کش، در غالب مناطق ایران پدیده تازه‌ای نیست، ولی اکنون ما شاهد حرکت‌هایی هستیم که زنان در شکل‌گیری آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. به یاد بیاوریم که شش ماه پیش (در سیزدهم دی‌ماه ۷۸) نیز در حرکتی با همین مشخصات و همین خواست‌ها از طرف مردم چهاردانگه (شهرکی در همسایه‌گی همین شاتره) زنان نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. این نقش زنان در حرکت‌های بزرگ اجتماعی، با هر نیت و با هر تداومی که صورت گرفته باشد، وزن اجتماعی زنان را بالا می‌برد و می‌تواند در مبارزات سیاسی و طبقاتی زحمت‌کشان نتایج مهمی به بار آورد. از این رو، چنین حرکت‌هایی را **بقیه در صفحه ۲**

شورش علیه قانون اساسی از دو سو

ارژنگ بامشاد

اسلامی، در شرایط برانگیختگی مردم، نبرد جناح‌های حکومتی را به شکل ویژه‌ای درآورده است. شکست تمامیت‌خواهان برای جلوگیری از تشکیل مجلس ششم، علیرغم تمامی تلاش‌های‌شان، و پافشاری محمدخاتمی و بخش اعظم جبهه دوم خرداد بر روند اصلاحات مورد نظر، جنگ جناح‌های حکومتی را وارد فاز تازه‌ای ساخته است. این فاز جدید در شرایطی جریان دارد که اقدامات کودتایی تمامیت‌خواهان که در قبل از تشکیل مجلس ششم تدارک دیده شده بود، ناتمام مانده است. کودتایی که با ترور سعیدحجاریان، شلیک آغاز آن زده شد و با قتل‌عام روزنامه‌ها و نشریات و دستگیری روزنامه‌نگاران و روشن‌فکران مذهبی و دگراندیش ادامه یافت، ولی نتوانست به هدف‌های اولیه خود، یعنی ابطال انتخابات تهران و سپس ترور محمدخاتمی دست یابد. کودتایی که با این حال از دستور کار خارج نشد. **بقیه در صفحه ۲**

با تشکیل مجلس ششم و خارج شدن قوه مقننه از دست تمامیت‌خواهان، دستگاه ولایت تمامی نهادها و ارگان‌های انتخابی را از دست داد. قوه مجریه پیش از این به دست جبهه دوم خرداد افتاده بود؛ شوراهای شهر و روستا توسط نیروهای جبهه دوم خرداد و مستقیماً اداره می‌شوند و تنها مجلس خبرگان است که در اختیار تمامیت‌خواهان قرار دارد و انتخابات آن نیز به این زودی‌ها در دستور نیست. با چنین اوصافی، دستگاه ولایت که قدرت مطلق را در کشور در دست دارد، اکنون تنها بر تمامی نهادها و ارگان‌های غیرانتخابی مانند قوه قضائیه، صدا و سیما، و نهادهای سرکوب شامل سپاه و بسیج و نیروهای انتظامی و ارتش تسلط دارد و از آن طریق حکومت می‌کند. به دیگر سخن هر جا که مردم مجالی برای ابراز وجود داشته‌اند، طرفداران دستگاه ولایت را به بیرون پرتاب کرده‌اند. وجود چنین تحولی در ساختار قدرت جمهوری

برپائی یک سیاتل دیگر در میوی فرانسه!

روبن مارکاریان

روز جمعه ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰ (۱۰ تیرماه ۷۹) در شهرک کوچک میوی Millau فرانسه که قریب ۳۰ هزار جمعیت دارد، محاکمه ژوزه بوه (Jose Bove) و ۹ نفر از یارانش به اتهام "ویرانی و تخریب دسته جمعی" رستوران مک‌دونالد در دست ساختمان این شهر برگزار شد. بر اساس کیفرخواست صادره، می‌توانست محکومیتی معادل ۵ سال زندان همراه با هفتصد و پنجاه هزار فرانک جریمه نقدی به عنوان تأمین هزینه تخریب رستوران برای متهمین صادر شود.

ژوزه بوه پایه گذار کنفدراسیون کشاورزان فرانسه در سال ۱۹۸۷ و نیز یکی از فعالین علیه جهانی شدن نئولیبرال است که نقش فعالی در اعتراض مرفق سیاتل علیه «سازمان تجارت جهانی» ایفا نموده است. در سال ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا صادرات گوشت هرمونی آمریکا را به بازار اتحادیه ممنوع ساخت و دولت آمریکا نیز به عنوان تلافی، گمرک ورود برخی

از کالاهای کشاورزی اتحادیه اروپا از جمله انواع پنیرهای فرانسوی را صددرصد افزایش داد که بدین ترتیب ضربه سختی به صادرات کشاورزان فرانسه وارد آمد. کنفدراسیون کشاورزان فرانسه در منطقه میو تصمیم گرفت به عنوان یک اعتراض نمادین رستوران مک‌دونالد در دست احداث در این شهر را برجیند. آآن سولیه از اعضای سندیکای کشاورزان می‌گوید که این کار یک اقدام عالی آموزشگراانه بود زیرا رستوران مک‌دونالد را عمسوم مردم می‌شناسند و **بقیه در صفحه ۴**

تمامیت‌خواهان از مردم

انتقام می‌گیرند

وحید نیرابی

قوه قضائیه به بهانه نوار ویدئویی امیر فرشاد ابراهیمی که وی در آن بخشی از روابط باندهای مافیایی قدرت و آمران و عاملان واقعی حمله به کوی دانشگاه را افشا کرده است، شیرین عبادی حقوقدان و وکیل این فرد و دکتر محسن رهامی، وکیل دانشجویان مصدوم در **بقیه در صفحه ۳**

دنباله از صفحه ۱ زنان زحمت کش راه.....

باید با دقت دنبال کرد و ظرفیت گسترش و تکرار الگوهای سازماندهی آن‌ها را باید با وسواس لازم مورد بررسی قرار داد.

حقیقت این است که در ایران امروز، زنان می‌توانند در پیوند دادن و پیشی کشیدن غالب خواست‌های کارگران و زحمت‌کشان نقشی واقعاً مهم‌تر و موثرتر از مردان داشته باشند. زیرا اولاً- نظام آپارتاید جنسی باعث می‌شود که آن‌ها تاریخ‌اندیشی و واپس‌گرایی نهادی جمهوری اسلامی را بسیار روشن‌تر و بهتر از بسیاری از مردان تجربه کنند و به لحاظ سیاسی، در مقیاسی واقعاً توده‌ای، در مقابله‌ای رادیکال با نظام حکومتی قرار داشته باشند. ثانیاً- فلاکت گسترده و دائمی عمق‌یابنده، خواه ناخواه، وزن آن‌ها را در خانواده سنگین‌تر می‌کند و مخصوصاً در محلات فقیرنشین شهرهای بزرگ آنان را به تحرک و اعتراض و چاره‌جویی برمی‌انگیزد. ثالثاً- شرکت فعال آن‌ها در حرکت‌های اعتراضی توده‌ای می‌تواند در کند کردن و مختل ساختن ماشین سرکوب رژیم نقش مهمی داشته باشد. به این ترتیب، زنان می‌توانند، مخصوصاً در حرکت‌هایی که از محیط‌های زیست کارگران و زحمت‌کشان برمی‌خیزند، نقش هدایت‌کننده داشته باشند. و می‌دانیم که در شرایط بحران سیاسی عمومی و از هم پاشیدگی اقتصادی، معمولاً حرکت‌های برخاسته از محیط زیست کارگران و زحمت‌کشان هستند که به صف‌آرایی مردم در مقابل نظام استبدادی، خصلتی توده‌ای و سراسری می‌بخشند.

با توجه به این حقیقت، آیا بهتر نیست که فعالان جنبش زنان و فعالان جنبش کارگری، مطالبات و مبارزات زنان محلات زحمت‌کش نشین شهرهای بزرگ را با دقت بیشتری دنبال کنند و برای ارتقاء کیفیت مبارزات و سازماندهی آن‌ها تلاش کنند؟ بالا رفتن نقش این زنان زحمت‌کش در جنبش توده‌ای مردم ایران علیه ستم‌گری و بیدادگری حاکم، بی‌هیچ تردید، افق‌های روشن و گسترده‌تری به روی این جنبش خواهد گشود، و مخصوصاً برای جنبش طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان ما بسیار پرثمر خواهد بود. در واقع، جنبش طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان ما بدون حدی از زنانه شدن نمی‌تواند به جنبش معطوف به روشنایی و سوسیالیسم تبدیل شود. و اکنون زنان زحمت‌کش، راه این سمت‌گیری حیاتی را نشان می‌دهند.

کمک‌های مالی رسیده

مستانه	۱۰۰پوند
م-اردین	۲۵پوند
سیروان	۵۰پوند
ب-ف	۵۰پوند
شهاب زاده	۱۰۰پوند
غلام جوادی	۱۵۰پوند
س.س.ش	۵۰مارک

دنباله از صفحه ۱ شورش علیه قانونی اساسی...

اکنون عرصه‌ی جنگ جناح‌های بر این سؤال کلیدی استوار شده که خط راهنما و قطب‌نمای سیاست کشور قانون اساسی است و یا رأی ولی فقیه. محمدخاتمی و جبهه دوم خرداد که به اتکاء حمایت مردم در انتخابات توانسته‌اند بر اهرم‌های انتخاباتی در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی دست یابند، بیش از گذشته بر حاکمیت قانون و تبعیت همگان از قانون اساسی تأکید می‌کنند. سخنان محمدخاتمی در هفتم خرداد ۷۹، روز افتتاح مجلس که گفت: «هیچ امری در کشور جاری نمی‌شود مگر این‌که به تصویب مجلس رسیده باشد و هیچ چیزی در کشور خارج از حیطه مجلس شورای اسلامی قرار نمی‌گیرد و مجلس، حق تحقیق و تفحص در همه امور کشور را دارد» آشکارا بر این تمایل عمومی اصلاح‌طلبان انگشت گذاشت. این موضوع در تمامی ماه گذشته به محوری‌ترین بحث میان جبهه دوم خرداد و دستگاه ولایت تبدیل شده است. تا جایی که مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی در مقابل موضع جناح مقابل که همواره تلاش کرده است جایگاه مجلس را به پائین‌ترین حد خود تقلیل دهد، در روز یکشنبه ۱۲ تیرماه ۷۹ در جلسه علنی مجلس گفت: «حمله به مجلس شورای اسلامی موجب خواهد شد تا این نهاد نتواند به مسئولیت‌هایش عمل کند... مجلس جایگاه خاصی دارد و در رأس امور و مرکز همه قدرت‌هاست». اما تمامیت خواهان که بازی در چهارچوب قانون اساسی را باخته‌اند، دیگر نه تنها خود را به رعایت قانون پای‌بند نمی‌بینند، بلکه بر این باورند که دمکراسی اسلامی بر پایه «یک‌فرد، یک‌رأی، یک‌بار» استوار است. به دیگر سخن، مردمی که یک‌بار به جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی رأی داده‌اند، باید خواست‌های خود را در این چهارچوب بیان کنند. و این نه رأی مردم و خواست‌های آن‌هاست که باید مورد توجه نمایندگان مجلس قرار گیرد، بلکه آن‌چه دستگاه ولایت و مراجع وابسته به آن می‌گویند باید اساس کارشان قرار گیرد. این حکم را محمدیزدی رئیس سابق قوه قضائیه و عضو فقهای شورای نگهبان در سخنان خود در نماز جمعه ۱۰ تیرماه ۷۹ تهران با صراحتی بی‌نظیر بیان داشت وقتی که گفت: «در نظام اسلامی و در جمهوری اسلامی نیز خواست مردم مقدس است. اما مردم اسلام را پذیرفته‌اند و خواسته‌های خود را در چهارچوب اسلام مطرح می‌کنند و خواست‌های مردم باید با خواسته‌های کلی اسلام مطابقت داشته باشد. اگر مردم چیزی را خواستند که اسلام به دلیل فسادی که در آن چیز وجود دارد، آن را رد می‌کند-ولو مردم بخواهند- در نظام اسلامی آن خواسته مورد اعتماد و توجه نخواهد بود و نه دولت و نه مجلس و نه تهیه‌کنندگان لایحه یا طرح یا پیشنهاد، نمی‌توانند چیزی را که علناً و آشکارا خلاف اسلام است، پیشنهاد کنند و ادعا کنند که مردم این‌را می‌خواهند...وقتی فرهنگ اسلامی وجود دارد، نمی‌توان دیدگاه مراجع اسلامی را نادیده گرفت

و یک وزارت‌خانه که جای خود دارد، حتی اگر خدای ناکرده دولت به این نتیجه برسد که نیاز به دیدگاه مراجع ندارد، کار دشوار می‌شود. مراجع هیچ‌گاه تسلیم هیچ قدرتی نمی‌شوند چه رسد به قدرتی که خود بوجود آورده‌اند و قدرتی که در سایه اسلام و دین ایجاد شده است». اما مهم‌تر از سخنان محمدیزدی، موضع هاشمی‌شاهروزی رئیس قوه قضائیه که باید حافظ قانون اساسی باشد، دیدگاه دستگاه ولایت را به روشنی بیان می‌کند. او در مصالای کرمان در روز شنبه ۲۸ خرداد ۷۹ به توجیه اقدامات قوه قضائیه علیه مطبوعات پرداخت و گفت: «رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران و در دیدار با جوانان بر علیه مطبوعاتی که سخنان دشمنان دیرینه انقلاب را بازگو می‌کردند خروشدند. رهبر آگاه و هوشیار فریاد زدند و اظهار تألم و درد دل خود را بیان کردند و دستگاه‌های قضائی، امنیتی و اجرائی هم با این قضیه برخورد کردند». از این آشکارتر نمی‌توان نشان داد که از دید تمامیت خواهان، ولی فقیه بر فراز قانون است. تا جایی که رئیس قوه قضائیه نه به اتکای قانون، بلکه بر پایه‌ی "خروش رهبر" دست به قلع و قمع مطبوعات و صاحبان اندیشه می‌زند.

بر پایه چنین منطقی است که دستگاه ولایت با رانده شدن از قوای مجریه و مقننه، آخرین ابزار خود را به شکل کاملاً بسیج شده‌ای بکار گرفته است و قوه قضائیه را وارد عمل کرده است. سخنان هاشمی‌شاهروزی در کرمان که پاسخی آشکار به اخطار قانون اساسی محمدخاتمی به بستن مطبوعات بود و هم‌چنین پاسخ‌اش به نامه ۱۵۱ نماینده مجلس، و سخنان علی‌خامنه‌ای در ۷ تیرماه ۷۹ در حمایت از اقدامات قوه‌قضائیه با هدف مهار دولت و دستگاه‌های اجرایی که گفت: «با سلامت و استقامت این رکن مهم نظام، عیوب در بخش‌های مدیریتی و سازماندهی اداره کشور و جامعه، بتدریج از بین خواهد رفت»، تردیدی باقی نگذاشت که دستگاه ولایت، اهرم قوه قضائیه و ارگان‌ها و نهادهای سرکوب خود را با تمام قدرت بکار گرفته است تا جلو روند تحولات در کشور را بگیرد. و این سیاست سرکوب‌گرانه‌ی دستگاه ولایت، شورشی تمام عیار علیه قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

شورش دستگاه ولایت علیه قانون اساسی، بیان بن‌بست حرکت در چهارچوب قانون اساسی است. شمرده‌ی سه سال تلاش اصلاح‌طلبان حکومتی برای قانون‌مند کردن حرکت دستگاه‌های حکومتی، اکنون با شورش دستگاه ولایت علیه قانون اساسی، به شکست نهایی خود نزدیک می‌شود. این شورش، اساساً با اتکا به خود قانون و تفسیر ویژه‌ای از آن صورت می‌گیرد. و روشن است که حق تفسیر از قانون اساسی را فقهای شورای نگهبان از آن خود می‌دانند و آن‌ها نیز منصوبان خلفیه وقت هستند. اما این شورش وقتی با مقاومت جناح مقابل روبرو می‌شود، می‌تواند سمت‌وسوی یک شورش تمام‌عیار و کودتای کامل را به خود بگیرد. **بقیه در صفحه ۳**

امری که از زبان پاره‌ای از هارترین گرایش‌ها
تمامیت خواهان این‌جا و آن‌جا بیان می‌شود. این
تهدیدات از آن‌جا شکل آشکارتری به خود می‌گیرد
که به نظر می‌رسد، جناح مقابل حاضر نیست به این
سادگی دست از اهرم‌های قدرت هر چند محدودی که
به برکت تاکتیک‌های دقیق توده‌های مردم، بدست
آورده است، بردارد.

اما مشکل اصلاح طلبان حکومتی در این است
که برای مقابله با شورش دستگاه ولایت علیه رأی
مردم و علیه قانون اساسی خود رژیم، نمی‌خواهند از
وزن و قدرت اعتراضی مردم مدد بگیرند. آن‌ها با
این مشکل روبرویند که می‌دانند اقدامات، تاکتیک‌ها
و خیزش‌های مردمی در مضمون خود، شورشی
شورانگیز علیه قانون اساسی و کلیت نظام جمهوری
اسلامی است. اصلاح طلبان که خود را در چنبره‌ی
یک قانون اساسی متناقض و سراپا ضددمکراتیک، به
بند کشیده‌اند، تصور می‌کنند که می‌توانند میان دو
نیروی که از دو سو علیه این قانون شورش کرده‌اند،
خط واسطی بیابند. دستگاه ولایت خود را حافظ
اسلامیت نظام و قانون اساسی می‌داند و علیه محور
جمهوریت نظام اسلامی شوریده است و مردم برای
تحقق خواست‌های آزادی خواهانه و برابرطلبانه‌ی خود،
می‌خواهند در گام نخست به ادغام دین و دولت پایان
دهند و از این طریق، از سد دولت مذهبی بگذرند.
در میان این دو سنگ آسیا، اصلاح طلبان دست و پا
می‌زنند.

اما اگر شورش دستگاه ولایت علیه قانون
اساسی و برای حفظ نظام اسلامی به هر قیمت،
شورشی از سر نامیدی و بنابرین شورشی کور و
بی‌آینده است، شورش مردم علیه قانون اساسی،
شورشی است که سمت آزادی و آینده‌ای روشن را
نشانه می‌رود. از این شورش انقلابی باید با تمام قوا
حمایت کرد و در این راه، با ظرفیت تمام نقش ترمز
کننده‌ی اصلاح طلبان را به حداقل رساند.

بدنباله از صفحه ۱ تمامیت خواهان از مردم.....
جریان حمله به کوی دانشگاه را دستگیر کرد. در پی
هجوم ماموران وزارت اطلاعات به خانه برخی از
شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین، به نام «اسنادی»
که چند و چون آن روشن نیست افرادی نظیر
عزت‌الله سبحانی نیز راهی زندان شده‌اند. هاشمی
شاهروزی در برابر اعتراض به ادامه توقیف مطبوعات، از
اقدام قوه قضاییه دفاع کرده است. خامنه‌ای نیز به نوبه
خود به گرمی از اقدامات سرکوبگرانه این دستگاه
جانبداری کرده است. این دستگیری‌ها و اقدامات
سرکوب‌گرانه معنای روشنی دارد: در حالی که
اصلاح طلبان با سیاست آرامش و استراتژی اصلاحات آرام،
هر چه بیشتر قدرت مقابله با توطئه‌های تمامیت خواهان
را از دست می‌دهند، و به حاشیه رانده می‌شوند، دستگاه
ولایت با بهره‌برداری از همه ضمائم خود از مردم انتقام
می‌گیرد. پیام این دستگیری‌ها این است که در حکومت
اسلامی نه تنها نمی‌توان عاملان و آمران قتل‌های
زنجیره‌ای را محاکمه کرد، و نه تنها نمی‌توان باندهای
مافیایی را که به اشاره رهبر به کوی دانشگاه حمله
می‌کنند، به پای میز محاکمه کشاند، بلکه کسانی
دستگیر و محاکمه خواهند شد که به خود شهامت
دادخواهی دهند و در این زمینه گام بردارند. دستگیری
دکتر محسن رهامی به طرزی زننده در خیابان، بدون
اطلاع دادن به خانواده‌اش، تبلور روشن این پیام بود که
در حکومت اسلامی تنها ظالمان هستند که حق دارند
تظلم خواهان را به مسلخ و محبس بکشند و این معادله
جانب دیگری ندارد و نمی‌تواند هم داشته باشد.
نمی‌تواند، زیرا قوه قضاییه بخشی از ابزار اعمال سلطه
روحانیت حاکم است. روحانیت حاکم دستش تا مرفق به
خون ییگانه‌ها آلوده است و نظامی آفریده است مرکب
از شبکه‌های تودرتوی مافیایی و متکی بر حق ویژه
خویش. پس چگونه می‌توان از ابزار اعمال سلطه چنین
دستگاه جباری انتظار عدالت و دادگستری داشت؟
حقیقت این است که از زمان شروع تـرورها و

تک‌برگی راه کارگر

شکل‌گیری پـرونده قتل‌های زنجیره‌ای، این مطبوعات
بودند که در افشای روابط پنهانی «مافیای قدرت» نقش
اساسی داشته‌اند. تا جایی که به اقدامات عملی مربوط
می‌شد، اصلاح طلبان تنها دنبال بهره‌برداری ابزاری از
این پرونده بودند و تا جایی هم که توانستند این پرونده
را به عنوان وسیله‌ای در جدال‌ها و ستیزه‌های خود بر
سر قدرت با تمامیت خواهان مورد استفاده قرار دادند.
تمامیت خواهان با بستن مطبوعات و حاکم کردن
<سکوت گورستان>، اکنون فرصت را برای انتقام‌گیری از
دادخواهان این پرونده مغنم یافته‌اند. آن‌ها تنها در
شرایط خلاء اطلاع‌رسانی می‌توانستند چنین بی‌پروا در
پی انتقام‌جویی از مردم و دادخواهان این پرونده برآیند
و این خلاء را با بهره‌برداری کامل از استراتژی
<اصلاحات آرام> جناح اصلاح طلب فعلا بر جامعه حاکم
کرده‌اند.

سیر تانکونی پرونده قتل‌های زنجیره‌ای نشان
می‌دهد که در این زمینه: اولاً هیچ پیشرفتی حاصل
نمی‌شود، و پیامدها و تأثیرات تعرض عمومی
تمامیت خواهان در حوزه‌های مختلف، سیر قهقراپی در
این پرونده را تشدید می‌کند، اگر بنای دادخواهی بر
جناحی از حکومت استوار شود، ثانیاً، تنها یک جنبش
اعتراضی بر قدرت است که در شرایط فقدان مطبوعات،
می‌تواند به عنوان اهرم فشار بر حکومت در رابطه با
این پرونده عمل کند؛ جنبشی که خانواده‌ها، اقوام،
دوستان و نزدیکان قربانیان این پرونده، وکلای مترقی و
مستقل، دادخواهان و روشن‌فکران ستون اصلی آن را
تشکیل می‌دهند. ثالثاً، در شرایطی که پیشروی در این
پرونده، مستلزم فاش شدن نقش انواع «غده‌های
سرطانی» در درون دستگاه ولایت است، تمرکز بر
خواست تشکیل یک کمیته بین‌المللی مستقل برای کشف
حقیقت در خارج از کشور، در همسویی با جنبش
قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای در داخل، خاصه در شرایط
خلاء اطلاع‌رسانی و به عنوان جایگزین آن، اهمیت هر
چه فزاینده‌تری می‌یابد.

از خواست‌های مردم شاتره‌ی اسلام‌شهر حمایت می‌کنیم

چهار هزار نفر از مردم شهرک ۲۰هزار نفری گلدسته (شاتره) از توابع اسلام‌شهر که در ده‌کیلومتری تهران واقع شده است، از ساعات اولیه بامداد روز سه‌شنبه ۷ تیرماه ۷۹ با
گردهم‌آیی در محور جاده تهران-ساوه، خواهان جدا شدن شهرک خود از اسلام‌شهر و الحاق به یکی از مناطق (منطقه ۱۸) تهران شدند. اعتراض‌کنندگان که اکثریت آن‌ها را زنان
تشکیل می‌دادند هم‌چنین خواهان رفع کمبود مراکز آموزشی، بهبود وضعیت درمانی و بهداشتی، رفع قطع مکرر آب و برق، احداث ورزش‌گاه، استخر، حمام عمومی، پارک، احداث
پل هوایی و برخورداری از گاز شهری بودند. زنان، مردان و جوانان معترض، پس از بستن جاده تهران-ساوه با آتش زدن لاستیک‌ها در بیش از ۸ نقطه، به حرکت اعتراضی خود ابعاد
تازه‌ای دادند. برای جلوگیری از گسترش این خیزش توده‌ای، نیروهای انتظامی وارد عمل شده و با پرتاب گاز اشک‌آور به پراکنده کردن مردم پرداختند. ماموران امنیتی نیز بیش
از ده نفر از مردم شهرک را دستگیر کردند. این حرکت گسترده که از ساعات اولیه بامداد شروع شده بود، سرانجام با قول مسئولان سیاسی-امنیتی برای رسیدگی به نارسایی
شهری در ساعت ۲/۵ بعدازظهر پایان یافت.

این شورش توده‌ای در شرایطی انجام می‌گیرد که چندماه پیش نیز مردم شهرک چهاردانگه، در اعتراض به کمبودهای گسترده شهری خواهان جدا شدن از اسلام‌شهر و
الحاق به یکی از مناطق تهران شده بودند. این خیزش‌های شهری در کنار مسدود کردن جاده کرج توسط بیش از ۸ هزار نفر از کارگران گروه صنعتی ملی در روزهای اول و چهارم
تیرماه نشان می‌دهد که گارد به استخوان کارگران و زحمت‌کشان رسیده است و آن‌ها خواستار آند به مشکلات‌شان رسیدگی شود. این خیزش‌ها از سوی دیگر نشان از آن دارد
که مردم دیگر وعده و وعیدهای حکومتیان را باور ندارند.

ما ضمن حمایت از خواست‌ها و مطالبات زحمت‌کشان شهرک شاتره و کارگرانی که ماه‌های متعددی حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، بر این باوریم که تنها خود مردم با
مشکل شدن می‌توانند اراده خود را نشان داده و برای تحقق خواست‌هایشان ره به جایی ببرند.

ما بر این نکته نیز تأکید داریم که برای رسیدن به تمامی این خواست‌ها و پایان دادن به این وضعیت غیرقابل تحمل باید از سد جمهوری اسلامی گذشت.

کمیته‌ی اتحاد عمل برای دهمکراسی متشکل از: حزب دمکرات کردستان ایران؛ سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران؛ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

دنباله از صفحه ۱ برپائی یک سیاتل دیگر

برای ما نیز مک دونالد نماد هم نواخت سازی جهان توسط انحصارات صنعتی-کشاورزی در رشته مواد غذایی بود. از پی این تصمیم بود که در روز ۱۲ اوت ۱۹۹۹ اعضای سندیکا توسط تراکتورهای خود محوطه ساختمان مک دونالد را محاصره کرده و پس از یک ربع مذاکره بدون نتیجه با مدیر رستوران، ساختمان رستوران را در هم کوبیده و پیاده کردند. بوه و چهار نفر از همراهانش توسط پلیس دستگیر شدند.

او ۲۳ روز را در زندان گذراند و بالاخره پس از انصراف از پرداخت هرگونه وثیقه از زندان آزاد شد تا در آینده توسط همکارانش که به اصطلاح مبارزین جرم اعلام شده بودند، در دادگاه محاکمه شود. محاکمه روز جمعه ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰ در دادگستری میو آغاز می شد. بر اساس فراخوان کنفدراسیون دهقانان و نیز سازمان ها و نهادهای مخالف جهانی شدن سرمایه دارانه، پیش بینی شده بود که حدود ۳۰ هزار نفر برای طرفداری از بوه و یارانش در محل حاضر شوند و تجمع خود را به یک گردهمایی بزرگ علیه جهانی شدن سرمایه دارانه و دیکتاتوری بازار مبدل سازند. کمیته حمایت از این تجمع بیانیه ای چهارصفحه ای منتشر ساخته و در آن با اشاره به تجمع بزرگ سیاتل برای به ناکامی کشیدن کنفرانس «سازمان جهانی تجارت» و نیز شکل گیری جنبشی جهانی علیه مظاهر گوناگون حاکمیت پول و برای دفاع از حقوق پایه ای نوع بشر در سطح جهانی خواسته بود که تجمع دو روزه در میو نیز در تداوم سیاتل به یک تجمع نیرومند دیگر مبدل شود. برای این گردهمایی دو روزه جلسات سخنرانی و نیز چهارده پانل بحث پیرامون جهانی شدن سرمایه دارانه و عواقب آن در زمینه تغذیه، حق مسکن، اشتغال، زمین، فرهنگ، جنبش سندیکائی، خدمات عمومی، زنان، مهاجران و ... پیش بینی شده بود که قرار بود در آن فعالین سندیکائی، اقتصاددانان، دانشمندان، هنرمندان و ... به سخنرانی و تبادل نظر بپردازند.

جمعیت سازیز شده به شهر برای حضور در این تجمع دو روزه به چندین برابر پیش بینی شده (برگزارکنندگان گردهمایی جمعیت را حدود صد هزار نفر و پلیس منطقه جمعیت را حدود ۵۰ هزار نفر تخمین زدند) رسید و بدین ترتیب موفقیت جدیدی را برای جنبش علیه جهانی شدن سرمایه دارانه به ثبت رساند. جوانان شرکت کننده در این گردهمایی پیراهن هائی با شعارهای جدید پوشیده بودند. بر روی آن ها از جمله نوشته شده بود: «جهان کالا نیست و من نیز دیگر کالا نخواهم بود» و یا «نه بر مک دونالدلیزه کردن!»

ساعت دو بعدازظهر ۳۰ ژوئن ده نفر از متهمین همراه ۶ وکیل مدافع در دادگاه حضور یافتند. وکلای مدافع، شاتزده شاهد از نقاط مختلف جهان برای دفاع از موکلین خود فراخوانده بودند. مقامات دادگستری اعلام کرده بودند که این محاکمه

باید صرفاً محاکمه ای در چهارچوب قوانین جزائی برای رسیدگی به مورد اتهام، تخریب مک دونالد، باشد نه وارد شدن در بحث جهانی شدن. از همین رو قاضی دادگاه مقرر کرده بود که وقت داده شده به شاهدین که برای شهادت دادن پیرامون عواقب مصیبت بار جهانی شدن در سراسر دنیا فراخوانده شده بودند، بسیار محدود شود. متقابلاً کنفدراسیون دهقانان اعلام کرد که چنانچه وقت لازم به شاهدین ارائه نشود آن ها جلسه دادگاه را ترک کرده و محاکمه را در خیابان برگزار خواهند کرد.

در جلسه دادگاه دادستان تلاش می کرد تا محاکمه را در چهارچوب جرائم عادی محدود کند. متقابلاً ده نفر متهم، شاهدین و نیز وکلای آن ها صحنه دادگاه را به محاکمه عواقب مصیبت بار دیکتاتوری بازار مبدل ساختند. بوه در دادگاه برچیدن مک دونالد را با دوره مبارزه برای استقلال در هند مقایسه کرده و مطرح کرد که در آن دوره گاندی و همراهانش یک انبار نمک متعلق به مستعمره گران را مصادره و بخاطر آن به ده سال زندان محکوم شدند؛ اما امروزه کسی این اقدام را یک اقدام قهرآمیز قلمداد نمی کند. او افزود که یک سازمان فراملی نظیر «سازمان جهانی تجارت» تصمیمی اتخاذ می کند که بدون هیچ مباحثه سیاسی بر سرنوشت روزمره ما تاثیر می گذارد، باید این منطق را که نمی گذارد شهروندان نوع تغذیه خود را انتخاب کنند به چالش طلبید ... ما یا باید به خواب می رفتیم یا دست به اقدام می زدیم...

شاهدینی که از چهارگوشه دنیا در دادگاه حاضر شده بودند با دفاع از متهمین به شرح مصائب روند جهانی شدن سرمایه داری و مبارزات شان علیه آن پرداختند. هزاران نفر از جمعیتی که در محوطه بیرون دادگاه تجمع کرده بودند هنگام سخنرانی متهمین، شاهدان و وکلای مدافع با ابراز احساسات شان، آن ها را مورد تشویق قرار می دادند.

هنگامی که دادستان برای بوه به عنوان رهبر و محرک عملیات تخریب، ده ماه حبس تعلیقی و ۹ نفر دیگر هر یک تا سه ماه زندان تعلیقی درخواست کرد، جمعیت حاضر در اطراف دادگاه از طریق سوت زدن به اعتراض پرداختند. بوه نیز در اعتراض به مجازات درخواست شده توسط دادستان اعلام کرد که اولاً- عملیات اقدامی جمعی توسط سندیکا بوده است بنابراین نشان کردن یک نفر به عنوان رهبر عملیات تلاش برای کتمان خصلت جمعی این حرکت است و ثانیاً- این عملیات اقدامی اعتراضی و حرکتی مشروع است که نباید هیچ نوع مجازاتی به آن تعلق بگیرد. او اعلام کرد که مبارزه برای رفع هر نوع مجازات ادامه خواهد یافت. قرار است دادگاه در ۲۵ سپتامبر رای خود را صادر کند.

همانطور که گفته شد ده ها هزار نفری که در شهر گرد آمده بودند، تجمع خود را به جشنی عظیم علیه «سازمان جهانی تجارت»، مصائب جهانی شدن سرمایه داری و «دیکتاتوری بازار» مبدل ساختند بدون آن که حادثه ناگوار به وقوع به پیوندد. در شب

روز جمعه کنسرتی توسط فرانسس کابل و گروهی زبدا (Zebda) و نوار دزیر (Noir Desir) برگزار شد. سندیکای س. ژت، و نیروهای چپ و سبزها (طرفداران محیط زیست) فرانسه بطور فعال در این تجمع و در کلیه مراحل آن شرکت و حضور داشتند.

بوه در مصاحبه ای قبل از شروع محاکمات در پاسخ به این سؤال که چرا شما بر روی ضرورت یک جنبش اجتماعی در فرانسه و در سطح جهانی تاکید می کنید و از آن چه انتظاری دارید پاسخ داد که دهقانان امروز بیش از ۵ درصد جمعیت فرانسه را تشکیل نمی دهند و برای ما مشکل است که وضعیت را به تنهایی تغییر دهیم... او گفت مهم تر از همه این است که مبارزه ما امروز با شرکت های چندملیتی و نهادهائی هم چون سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است که همه مقولات اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهند. برای مثال در برزیل و آفریقا مبارزه بر سر زمین با چندملیتی ها جریان دارد، در هند، کانادا و فرانسه همین مبارزه علیه آن ها جریان دارد. در کارخانه ها، کارگران را اخراج می کنند با این منطق که دیگر آن ها سودآور نیستند. همه ما هر یک بنا بر وضعیت مشخص مان با منطق اقتصادی چندملیتی ها و نهادهای بین المللی مواجه هستیم. انسان هر چه بیشتر متوجه می شود که چنانچه مسئله را در سطح کلی و عمومی تحلیل نکند پاسخی نخواهد یافت. بهمین خاطر بود که در سیاتل ما در کنار خودمان، هم طرفداران محیط زیست را داشتیم، هم کارگران ذوب آهن های آمریکا، دهقانان و نیز مصرف کنندگان را که همه با هم به مقابله با منطق واحدی برخاسته بودند. بدین ترتیب مبارزه جهانی شده است...

سخن گوی کنفدراسیون دهقانان با اشاره به پیروزی این تجمع گفت که میو در سطح اروپا به پایتختی برای مقاومت با شکلی از جهانی شدن که ما با آن در حال مبارزه هستیم، مبدل شده است. جهانی شدنی نئولیبرال که فقط محدود در سطح اقتصادی است و عملکردش خردکردن مردم است. بوه نیز اعلام کرد که از این پس روز ۳۰ ژوئن روز مبارزه جهانی علیه جهانی شدن و چندملیتی ها خواهد بود.

سیاتل نقطه عزیمت جدیدی برای شکل گیری یک جنبش جهانی علیه مصائب ناشی از جهانی شدن سرمایه داری است. این جنبش در طی چند ماه گذشته رو به رشد نهاده و مرتباً تقویت شده است. فعالان این جنبش از طریق شبکه جهانی اینترنت بطور فعال و مستمر در ارتباط با هم قرار داشته و در تجمات گوناگون علیه نهادهای جهانی سرمایه داری شرکت می کنند. گردهم آئی بزرگ روزهای ۳۰ ژوئن و اول ژوئیه در میو ابعاد جدیدی به این همبستگی و مبارزه بین المللی علیه دیکتاتوری بازار داد که مانند مورد سیاتل مبارزات همبسته جهانی علیه سرمایه داری را تقویت خواهد کرد.